



## واکاوی مشخصه‌های سبک‌شناختی متن قراردادهای تسهیلات بانکی<sup>۱</sup>

پدرام حاتمی<sup>۲</sup>، بهزاد رهبر<sup>۳</sup>

فردوس آفاگل زاده<sup>۴</sup>، محمدرضا اروجی<sup>۵</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۰۲

### چکیده

قراردادهای تسهیلاتی به منزله اسناد رسمی در نظر گرفته می‌شوند که شفاف نبودن صورت و معانی متن‌های این قراردادها، سبب ایجاد مطالبات معوق بانکی و صدور کیفرخواست‌های مختلف خواهد شد. پژوهش حاضر، در حوزه زبان‌شناسی حقوقی انجام شده و به واکاوی سبک‌شناختی متن قراردادهای تسهیلاتی مباحه، جعاله، مشارکت مدنی و فروش اقساطی بر مبنای مؤلفه‌های واژگانی، نحوی و گفتمانی می‌پردازد. از این رو، مؤلفه‌های واژگانی و واژگان عربی و اصطلاح‌های تخصصی حقوقی-بانکی، مؤلفه‌های نحوی تعداد جمله‌های خبری، تعداد جمله‌های طولانی و تعداد افعال مجهول، مؤلفه‌های گفتمانی به شرح عناصر انسجام متن بر پایه دیدگاه هلیدی و حسن (Halliday & Hassan, 1976) در متن قراردادهای بیان‌شده، مورد بررسی قرار گرفتند. یافته‌های به‌دست آمده نشان می‌دهد در متن قراردادهای تسهیلات ارزی فروش

<sup>۱</sup> شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2020.27255.1748

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، گروه زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان؛

pedramhatami@iauz.ac.ir

<sup>۳</sup> دکترای تخصصی زبان‌شناسی، استادیار گروه زبان‌شناسی، هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)؛

behzadrahbar@atu.ac.ir

<sup>۴</sup> دکترای تخصصی زبان‌شناسی، استاد گروه زبان‌شناسی، هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس؛

aghaplz@modares.ac.ir

<sup>۵</sup> دکترای تخصصی زبان‌شناسی، استادیار گروه زبان‌شناسی، هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان؛

Mohammadreza.oroji@iauz.ac.ir

اقساطی و مشارکت مدنی تعداد جمله‌های خبری و جمله‌های طولانی بیشتر از قراردادهای تسهیلات ریالی مرابحه و جعاله است. همچنین، در متن هیچ‌یک از قراردادهای مورد اشاره افعال مجهول دیده نشدند. عناصر انسجام متن بر اساس نظر هلیدی و حسن (همان) در متن قراردادهای تسهیلاتی مرابحه، جعاله، مشارکت مدنی و فروش اقساطی می‌پردازد تا آن‌چه منجر به ایجاد ابهام در این دست متون حقوقی می‌شود را شناسایی کند. یافته‌های به‌دست آمده بیانگر آن است که عناصر انسجامی تکرار، جانشینی اسم، ارجاع و عنصر ربطی «و»، بیش از سایر عناصر در متن قراردادها مشاهده شده‌اند. عناصر ربطی سبب طولانی شدن جمله‌های متن قراردادها شده و با ایجاد فاصله زیاد بین ضمایر با مراجع، سبب عدم درک درست معانی و پیام متن قرارداد از سوی تسهیلات گیرنده شده و در نهایت منجر به زیان دیده شدن تسهیلات گیرنده از جنبه حقوقی نیز خواهند شد. یافته‌های پژوهش حاضر به درک بهتر ماهیت و ساختار متون حقوقی کمک می‌کند و در نهایت افراد را به سمت کاربردی همه‌فهم‌تر، با ابهام کمتر و البته عادلانه‌تر از زبان حقوقی می‌کشاند.

**واژه‌های کلیدی:** زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی، تحلیل گفتمان حقوقی، قرارداد تسهیلاتی، مؤلفه‌های سبکی، عناصر انسجام متنی

## ۱. مقدمه

به باور آقا گل‌زاده (Aghagolzadeh, 2012, p. 24-25)، محور مطالعات حوزه زبان‌شناسی حقوقی<sup>۱</sup> رابطه زبان و قانون، یعنی کاربرد دانش زبانی در بافت‌های حقوقی است. با بررسی جنبه‌های گوناگون زبان که در یک قرارداد تسهیلاتی به کار برده می‌شود، می‌توان، به قضاوت درباره اهداف بانک و یا فرد نگارنده آن متن کمک کرد. در پژوهش پیش رو نیز با توجه به رویکرد حقوقی، ویژگی‌های گفتمان به کاررفته در قراردادهای اعطای تسهیلات بانکی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. جمشیدی (Jamshidi, 2013) بیان می‌کند قراردادهای بانکی موضوع اعطای تسهیلات قراردادهایی در حکم اسناد رسمی هستند که در صورت نبود اختلاف میان معامله‌کننده‌ها (بانک و متقاضی) لازم‌الاجرا بوده که مأخذ تنظیم چنین قراردادهایی قوانین مدنی، عملیات بانکی بدون ربا و قانون تجارت هستند. از آن‌جا که متن قراردادهای یاد شده از طرف کارشناسان مسئول بانک تنظیم می‌شود، لازم است حافظ منافع بانک و ضامن بازگشت سرمایه باشند. بنابراین انتظار می‌رود نگارش متن قراردادها به گونه‌ای باشد که سرپیچی از مفاد آن‌ها به وسیله طرف تسهیلات گیرنده جرم به شمار آید. به بیان دیگر، ناآگاهی از قانون و ناتوانی در فهم محتوای قرارداد به دلیل دشواری متن، به

<sup>۱</sup> forensic linguistics

طور بالقوه تسهیلات گیرندگان بانکها را در جایگاه مجرم قرار می دهد ( Jamshidi, 2013, p. 25).

قراردادهای تسهیلاتی که در این پژوهش مورد واکاوی قرار گرفته اند، مشتمل بر قراردادهای فروش اقساطی، مشارکت مدنی، مرابحه و جعاله هستند. در موارد گوناگونی از جنبه زبان شناختی وجود ساختارهای پیچیده دستوری و واژگان پیچیده فنی و عدم وجود روابط انسجامی مناسب و کافی منجر به آسیب وارد شدن بر شفافیت قراردادهای از جنبه حقوقی می گردند. شفاف نبودن هر قرارداد سرآغاز چرخه معیوب ایجاد تفسیرهای مختلف از متن می گردند که سبب ایجاد چالش های گوناگون برای هر یک از طرفین قرارداد می شود. این مهم مسأله ای بسیار مهم برای متقاضیان دریافت تسهیلات بانکی است. مسأله این پژوهش نیز بر اساس آنچه بیان شد شکل گرفته و ضرورت آن نیز احیای حقوق طرفین قرارداد، یعنی متقاضی دریافت تسهیلات از یک سو و بانک به عنوان مؤسسه ای مالی از سوی دیگر است. این پژوهش بر آن است تا به تحلیل گفتمان حقوقی چنین متون بانکی در حوزه زبان شناسی حقوقی به وسیله عناصر انسجام متنی و دریافت معنی با نگاه زبان شناسی نقش گرا بپردازد. با توجه به اینکه متون قراردادهای اعطای تسهیلات بانکی دارای ماهیت قانونی هستند، بنابراین لازم است تا تسهیلات گیرندگان به درک کاملی از موضوع قرارداد مورد نظر دست یابند. به بیان دیگر، می توان چنین بیان داشت که قراردادهای اعطای تسهیلات باید از شفافیت برخوردار باشند تا مشتریان بانکها که متقاضی استفاده از تسهیلات مختلف هستند، بتوانند پس از درک مفاد قراردادهای مربوطه، در مورد پذیرش یا رد آنها تصمیم بگیرند. به دلیل دشواری درک متن های اسناد حقوقی، در موارد گوناگونی، افراد بدون درک درست یا حتی خواندن قراردادهای تسهیلاتی، با بسنده کردن به توضیحات نمایندگان حقوقی و یا اعتباری بانکها، آن را امضاء می کنند. در واقع آنها ندانسته تعهداتی را عهده دار می گردند که ممکن است گاهی عمل نمودن به آنها از عهده این افراد خارج باشد. با توجه به رخداد مسأله بیان شده در سطح جامعه و نظام بانکی ضرورت دارد این مهم برای آسیب شناسی و سپس ارائه راهبردهای علمی با استفاده از دانش زبان شناسی مورد واکاوی قرار گیرد.

برای دست یابی به آنچه بیان شد، پژوهش حاضر بر اساس نقش گرایی هلیدی انجام گرفته و بر آن است تا به این پرسش ها پاسخ دهد. نخست اینکه، آیا تفاوتی میان متن قراردادهای تسهیلات ارزی و ریالی بانک تجارت از جنبه به کارگیری مشخصه های واژگانی وجود دارد؟ دوم آنکه، آیا تفاوتی میان متن قراردادهای تسهیلات ارزی و ریالی بانک تجارت از جنبه به کارگیری مشخصه های واژگانی وجود دارد؟ سوم اینکه، آیا تفاوتی میان متن قراردادهای تسهیلات ارزی و

ریالی بانک تجارت از جنبه به کارگیری مشخصه‌های گفتمانی وجود دارد؟ برای پاسخ‌گویی دادن به پرسش‌های بالا، از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی بهره گرفته شد. داده‌های این پژوهش از پیکره چهار قرارداد تسهیلاتی بانک تجارت که بر اساس مجلد داخلی مهر ماه ۱۳۹۸ این بانک در حوزه‌های تسهیلات ارزی و ریالی بیشترین متقاضی را دارند، استخراج شده‌اند. این قراردادها مشتمل بر فروش اقساطی و مشارکت مدنی ارزی، جعاله و مباحه ریالی هستند. بر این اساس، مشخصه‌های سبکی متن‌های بیان‌شده در سطح‌های واژگانی، نحوی و گفتمانی در متن قراردادهای تسهیلاتی مورد اشاره استخراج شدند. این مشخصه‌ها با استفاده از نسخه ۲۱ نرم‌افزار آماری اس.پی.اس.اس<sup>۱</sup>، تعداد وقوع مؤلفه‌های مورد اشاره در هر یک از بندهای قراردادهای تسهیلاتی استخراج شدند و در جدول‌های (۱) تا (۳) به تفکیک هر قرارداد نشان داده شدند. سپس، با بهره‌مندی از روش‌های بلاغی که در آن از راهبردهای ویرایش بهره گرفته می‌شود، نمونه‌ای از متن قراردادهای مورد اشاره انتخاب شده، ویژگی‌های سبک‌شناختی آن از جنبه مؤلفه‌های واژگانی، نحوی و گفتمانی مورد بررسی قرار گرفته‌است. سپس عناصری که با نبود آن‌ها به محتوای اصلی متن خدشه‌ای وارد نمی‌شود، حذف شدند. در پایان، خلاصه بند قرارداد بازنویسی شده و ارائه می‌شود.

## ۲. پیشینه پژوهش

زبان‌شناسی حقوقی گرایشی نوین در زبان‌شناسی کاربردی است که نتایج پژوهش‌های آن راهگشای همه سازمان‌ها و یا اشخاصی است که به گونه‌ای در ارتباط با متن‌های حقوقی هستند (مانند پلیس، وکلا، ضابطین قضایی، امور حقوقی بانک‌ها و نهادهای دولتی و غیر دولتی). با این هدف که آن‌ها را در گسترش عدالت و قضاوت‌های درست یاری نماید و به ویژه مانع از پایمال شدن حق و حقوق سازمان‌ها و یا اشخاص حقیقی و حقوقی گردد. این رویکردی نوپا که دارای گستره پژوهشی مستقل است در واپسین سال‌های قرن ۲۰ تا به سپهر اندیشگانی حوزه زبان‌شناسی نهاد.

از میان پژوهش‌های گوناگونی که در این حوزه نگارش شده‌اند، آثار حبیبی (Habibi, 1995)، آقا گل‌زاده (Aghagolzadeh, 2005)، فرازنده‌پور (Farazandehpour, 2013)، محمودزاده و محمودی بختیاری (Mahmoudzadeh & Mahmoudi Bakhtiyari, 2015)، آقا گل‌زاده و فرازنده‌پور (Aghagolzadeh & Farazandehpour, 2016)، پور

<sup>1</sup> SPSS

مسجدیان و سید رمضان (Pourmasjedian & Seyedramezan, 2021) در پیوند با پژوهش حاضر هستند.

حبیبی (Habibi, 1995, p. 13-37) در پژوهشی با نام «زبان حقوقی» از اصطلاح‌های حقوقی و چگونگی تنظیم و ترتیب پاره‌گفته‌ها و جمله‌های متون حقوقی سخن می‌گوید. وی بر این باور است که در زبان حقوقی از اصطلاح‌های پیچیده‌ای استفاده می‌شود که فرم متن را برای خواننده عادی دشوار می‌نماید. ساختار نحوی متن قانون مدنی را مورد کنکاش قرار داده و ویژگی‌های اصلی زبان حقوقی را در گذر از گونه گفتاری به گونه نوشتاری، استفاده از واژگان فنی و تخصصی و دست‌یابی به گفتمان قدرت بر می‌شمارد. تقی‌پور (Taghipour, 2015, p. 94) می‌نویسد در ایران درک زبان متون حقوقی امری است دشوار و منجر به ایجاد فاصله ارتباطی، ادراکی میان فرم متون و افراد غیر حقوق‌دان شده‌است. بر مبنای دیدگاه آقا گل‌زاده (Aghagolzadeh, 2005, p. 131) اگرچه از جنبه زبان‌شناختی، دشواری‌های زبان حقوقی فرآورده ساخت پیچیده آن زبان و ویژگی‌های مشخصه‌های سبکی آن است، اما واژگان و اصطلاح‌های ویژه متون حقوقی که ریشه عربی دارند، بر میزان دشواری متون می‌افزایند. در این زمینه، می‌توان با تجدید نظر در واژه‌های مورد اشاره و رعایت اصول ساده‌نویسی متن حقوقی را با زبانی ساده و قابل درک برای تمامی افراد ارائه نمود. فرازنده پور (Farazandehpour, 2013, p. 124) در زمینه ویژگی‌های سبکی متون حقوقی بیان می‌کند، بخش قابل توجهی از دشواری متون حقوقی به دلیل بهره‌گیری فراوان تهیه‌کنندگان این متون از واژه‌ها و اصطلاح‌های تخصصی است که ریشه عربی دارند. در این راستا، با بازنگری در میزان بهره‌گیری از آن‌ها می‌توان تصویری قابل فهم و ساده از متون حقوقی برای عموم مردم ارائه داد. به باور محمودزاده و محمودی بختیاری (Mahmoudzadeh & Mahmoudi Bakhtiyari, 2015, p. 188) در گفتمان حقوقی مکتوب عناصر گوناگون انسجام از جمله عوامل ربطی، تکرار و با هم‌آرایی برای آفرینش متن و انتقال معنی آن به کار می‌روند. همچنین آن‌ها بیان می‌کنند در نگارش متون حقوقی، مؤلفه‌های سبکی مشتمل اند بر عناصر تکرار، عوامل ربطی عربی و مجهور و خلق جمله‌های طولانی چندبندی و نیز حذف مکرر فعل. به باور آن‌ها، مجموع عوامل یادشده منجر به پیچیدگی و دشوارخوانی این نوع متون می‌شوند و سبب ایجاد مشکل در فهم افراد عادی از متون حقوقی می‌شوند. آقا گل‌زاده و فرازنده‌پور (Aghagolzadeh & Farazandehpour, 2016, p. 67) بر این باورند که زبان حقوقی که راهبرد برقراری ارتباط در حوزه حقوق و ضامن اجرای مفاد قانونی است، بدون فرم درست آن بی معنا می‌نماید. از سوی دیگر، نیز نمی‌توان از نقش گفتمان و تحلیل آن در نظام حقوقی چشم‌پوشی کرد. سبک نوشتاری اسناد حقوقی از جمله دادنامه‌های مرتبط با دعوی حقوقی و کیفری از سوی پورمسجدیان و سیدرمضان (Pourmasjedian &

Seyedramezan, 2021, p. 311-312) مورد نقد و بررسی قرار گرفته‌است تا از این رهگذر عناصر ایجاد ابهام در متون مورد اشاره شناسایی گردند. بر مبنای یافته‌های پژوهش آن‌ها با بررسی ویژگی‌های گروه‌های اسمی و فعلی در متن دادنامه‌ها می‌توان به حقایق راهبردی در زمینه دعاوی مطرح شده دست یافت. همچنین بر مبنای یافته‌های دیگر پژوهش مورد اشاره می‌توان به ارائه سبک نوشتاری متون دادنامه‌ها به شرح بیان ادله و مستندات در ابتدا و آنگاه بیان حکم و نگارش رأی اشاره نمود.

بر مبنای نظریه نقش‌گرایی هلیدی (Halliday & Hassan, 1976)، که چارچوب نظری این مقاله است، انسجام مؤلفه زبانی است که ریشه آن خود زبان است و با استفاده از روابط معنایی، نحوی و واژگانی، اجزای تشکیل‌دهنده متن را به مثابه واحدهای معنادار کنار هم حفظ می‌کنند. با توجه به آن‌چه بیان شد، می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که انسجام متون حقوقی نیز همانند سایر متن‌ها وابسته به عناصر انسجامی است.

### ۳. مبانی نظری

هلیدی و حسن (Halliday & Hassan, 1976, p. 2-4) انسجام را مفهومی معنایی به شمار می‌آورند که بر روابط معنایی مورد اشاره در متن ناظر است و سنجۀ تمیز متن از غیر متن است. بر مبنای تعریف یادشده آنگاه متنی را می‌شود منسجم دانست که تفسیر هر عنصر آن بدون تفسیر عنصر دیگر امکان‌پذیر نباشد. هلیدی و حسن بیان می‌کنند عامل نخستین تعیین متنیت<sup>۱</sup> روابط انسجامی داخل و مابین جمله‌های گوناگون است. به باور هلیدی و حسن (Halliday & Hassan, 1976, p. 32) انسجام مفهومی معنایی است که بر روابط معنایی موجود در متن ناظر است و به آن متنیت می‌بخشد. آن‌ها همچنین بیان می‌کنند نمود انسجام و تداوم معنا را هم در سطح واژگان و هم در سطح نحو متن‌های مختلف می‌توان مشاهده کرد. هلیدی و حسن (Halliday & Hassan, 1976) انسجام را در دو گروه انسجام دستوری و انسجام واژگانی دسته‌بندی کرده‌اند و بیان می‌کنند عوامل مؤثر در ایجاد یک متن منسجم مشتمل اند بر ارجاع<sup>۲</sup>، جایگزینی<sup>۳</sup>، حذف<sup>۴</sup>، عوامل ربطی<sup>۵</sup> و انسجام واژگانی<sup>۶</sup>. همچنین انسجام واژگانی را فرآورده<sup>۷</sup> بر هم کنش ابزارهایی چون تکرار<sup>۸</sup>، با هم آیی<sup>۹</sup> و تضاد<sup>۹</sup> بر می‌شمارند. در ادامه، هر

<sup>1</sup> texture

<sup>2</sup> reference

<sup>3</sup> substitution

<sup>4</sup> ellipsis

<sup>5</sup> conjunctive

<sup>6</sup> lexical cohesion

<sup>7</sup> retration

<sup>8</sup> synonymy

<sup>9</sup> antonym

یک از عوامل مورد اشاره را به صورت مختصر تبیین می‌نمایم.

### ۳. ۱. ارجاع

ارجاع به سه دسته شخصی<sup>۱</sup>، اشاری<sup>۲</sup> و مقایسه‌ای<sup>۳</sup>، دسته‌بندی می‌شود و هر یک از انواع یادشده به انواع درون‌متنی یا برون‌متنی<sup>۴</sup> و پیش مرجع/ پس رو<sup>۵</sup> یا پس مرجع/ پیش رو<sup>۶</sup> گروه‌بندی می‌شوند (Halliday & Hassan, 1976, p. 32). وجود ارجاع برون‌متنی در متن‌ها و اسناد رسمی منتج به ابهام می‌شود و به همین سبب است که تا اندازه‌ای ممکن از آن استفاده نمی‌شود. همچنین بیشتر ارجاعات در زبان فارسی پس‌رو هستند (YarMohammadi, 2004, p. 53).

### ۳. ۱. ۱. ارجاع شخصی

به باور هلیدی و حسن (Halliday & Hassan, 1976) این نوع ارجاع در زبان انگلیسی، معادلی از ضمائر شخصی، صفت‌ها و ضمائر ملکی در زبان فارسی وجود ندارند تا برای ارجاع به مرجع استفاده شود (Halliday & Hassan, 1976, p. 38). در زبان فارسی ضمائر فاعلی و مفعولی را با عنوان‌های جداگانه‌ای مشخص نمی‌کنیم و هویت هر ضمیر بر پایه نقش آن ضمیر مشخص می‌شود. همچنین، برای ضمائر ملکی انگلیسی نمی‌توان معادل فارسی یافت و برخی از پژوهشگران معتقدند می‌توان ضمائر اختصاصی را معادل آن در نظر گرفت. ضمائر شخصی نیز آن‌گاه که نقش اضافی می‌پذیرند معنای صفت ملکی می‌دهند (Gholamhossainzadeh & Norouzi, 2008, p. 128).

### ۳. ۱. ۲. ارجاع اشاری

این نوع ارجاع دارای دو زیر گروه است که مشتمل اند بر ارجاع خنثی و منتخب. در زبان انگلیسی حرف تعریف «The» ارجاع خنثی است و واژه‌هایی مانند این، آن، این‌ها، آن‌ها، آن‌جا، این‌جا، حالا و موارد مشابه ابزار ارجاع منتخب به شمار می‌آیند (Halliday & Hassan, 1976, p. 38). همچنین از آن‌جایی که حرف تعریف «The» در زبان فارسی معادل ندارد از «این و آن» به عنوان حرف تعریف استفاده می‌شود (Mahmoudzadeh & Mahmoudi Bakhtiyari, 2015, p. 193).

<sup>1</sup> personal  
<sup>2</sup> demonstrative  
<sup>3</sup> comparative  
<sup>4</sup> exophora  
<sup>5</sup> anaphora  
<sup>6</sup> cataphora

### ۳.۱.۳. ارجاع مقایسه‌ای

به باور هلیدی در این نوع ارجاع، رابطه مستقیم و ساختاری میان مرجع و عنصری که به آن ارجاع دارد، برقرار نیست بلکه ارجاع غیر مستقیم به همانندی یا شباهت عوامل ارجاع است. صفت‌ها و قیده‌های عالی و تفضیلی و نیز در ارجاع مقایسه‌ای به کار می‌روند (Halliday & Hassan, 1985, p. 39).

### ۳.۲. حذف

حذف فرآیندی پس‌رو است که به ابهام‌آفرینی منجر شده و به سه گروه حذف اسمی<sup>۱</sup>، فعلی<sup>۲</sup> و بندی<sup>۳</sup> دسته‌بندی می‌شود (Halliday & Hassan, 1976, p. 147-196).

### ۳.۳. جانشینی

فرآیندی است که در آن عنصری جایگزین عنصر دیگر شود. جانشینی به سه گروه اسمی، فعلی و بندی گروه‌بندی می‌شود (Halliday & Hassan, 1976, p. 88).

### ۳.۴. عوامل ربطی

بر مبنای گفته هلیدی و حسن (Halliday & Hassan, 1976, p. 277) عوامل ربطی یا ادات ربط از جنبه معنایی که در بر دارند، وظیفه معنایی میان عناصر متن را برقرار می‌کنند. عوامل ربطی را از نظر معنا به چهار دسته افزایشی<sup>۴</sup>، علی<sup>۵</sup>، تقابلی<sup>۶</sup> و زمانی<sup>۷</sup> گروه‌بندی می‌شوند. از این رو، واژه‌های نشان‌دهنده عوامل ربطی افزایشی مشتمل بر همچنین، و، یا، افزون بر آن و موارد مشابه اند. واژه‌های نمایانگر عوامل ربطی علی شامل پس، بنابراین، از این رو و مواردی از این قبیل هستند. واژه‌های نشانگر عوامل ربطی تقابلی مواردی مانند اما، اگرچه، به هر حال را در بر می‌گیرند؛ واژه‌های نشان‌دهنده عوامل ربطی زمانی شامل هنگامی که، هنوز، سپس و مواردی از این دست هستند (Mohajer & Nabavi, 1997, p. 67).

<sup>1</sup> normal

<sup>2</sup> verbal

<sup>3</sup> clausal

<sup>4</sup> additive

<sup>5</sup> casual

<sup>6</sup> adversative

<sup>7</sup> temporal



### ۳.۵. واژگانی

این نوع انسجام آنگاه شکل می‌گیرد که واژگان حاضر در متن با هم ارتباط معنایی داشته باشند و این گونه زمینه‌های انسجام و تداوم متن را فراهم آورند (Mohajer & Nabavi, 1997: 67). هلیدی و حسن روابط معنای انسجام بخش را به سه گروه تکرار، با هم آیی و تضاد طبقه‌بندی می‌کنند (Halliday & Hassan, 1976, p. 277).

### ۳.۵.۱. باز آیی

عبارت است از تکرار همان واژه، واژه مترادف، واژه شامل و واژه عام (Halliday & Hassan, 1976, p. 284).

### ۳.۵.۲. با هم آیی

به باور هلیدی و حسن با هم آیی عبارت است از در کنار هم آمدن واژه‌هایی که در بافت‌های مشابه نمایان می‌شوند و به یک گستره معینی تعلق دارند. همانند دکتر و بیمار (Halliday & Hassan, 1976, p. 284).

### ۳.۵.۳. تضاد

صفوی در این زمینه می‌نویسد تضاد از جمله روابط معنایی به شمار می‌آید و در مورد واژگانی به کار می‌رود که فقط در یک مشخصه تفاوت دارند و دیگر ویژگی‌های آن‌ها همسان است (Safavi, 2013, p. 135).

### ۴. واکاوی سبک‌شناسی قراردادهای تسهیلاتی بانک تجارت

برای بررسی مشخصه‌های سبک‌شناختی قراردادهای تسهیلات ارزی از قبیل مشارکت مدنی و فروش اقساطی، همچنین قراردادهای تسهیلات ریالی از جمله مرابحه و جعاله سه پرسش پژوهش مطرح شدند. در این بخش به بررسی هر یک از آن‌ها پرداخته می‌شود.

### ۴.۱. واکاوی واژگانی

فرازنده پور بیان می‌کند برخی از ویژگی‌های واژگانی متن‌های حقوقی مشتمل اند بر استفاده از واژگان عربی و نیز اصطلاح‌های تخصصی حقوقی (Farazandehpour, 2013, p. 130-131). برای پاسخ‌دهی به پرسش نخست مطرح‌شده واژگان عربی و واژگان تخصصی بانکی - حقوقی

در متن همگی قراردادهای تسهیلاتی به صورتی جداگانه مشخص شده و در جدول (۱) به تفکیک هر قرارداد آورده شدند.

**جدول ۱: نمایه آماری عناصر واژگانی در متن قراردادهای تسهیلات ارزی و ریالی**

تعداد واژگان تخصصی بانکی - حقوقی	تعداد واژگان عربی	نام قرارداد
۳۱	۳	فروش اقساطی ارزی
۱۴	۲	مشارکت مدنی ارزی
۴۵	۵	<b>مجموع</b>
۴۶	۶	جُعاله ریالی
۱۹	۳	مرابحه ریالی
۶۵	۹	<b>مجموع</b>

از جنبه تحلیل واژگانی نیز با بررسی جدول (۱) در می‌یابیم تعداد واژگان تخصصی بانکی - حقوقی در قرارداد تسهیلات فروش اقساطی ارزی ۳۱ عدد، مشارکت مدنی ارزی ۱۴ عدد، جُعاله ریالی ۴۶ مورد و مرابحه ریالی ۱۹ مورد است. تعداد واژگان عربی نامأنوس در قرارداد تسهیلات فروش اقساطی ارزی ۳ عدد، مشارکت مدنی ارزی ۲ عدد، جُعاله ریالی ۶ عدد و مرابحه ریالی ۳ عدد بودند. نکته دیگری که در این واکاوی اهمیت دارد، این بود که تعداد واژه‌های تخصصی از واژه‌های عربی ناآشنا فزون‌تر بودند. در بین قراردادهای یادشده، بیشترین تعداد واژگان تخصصی حقوقی و بیشترین تعداد واژگان ناآشنا عربی متعلق به قرارداد تسهیلاتی جُعاله ریالی هستند. با بررسی مطالب ارائه‌شده در جدول (۱) در می‌یابیم که میان قراردادهای تسهیلاتی ارزی و ریالی از جنبه به کارگیری مشخصه‌های واژگانی تفاوت وجود دارد.

از دید سبک‌شناختی مشخصه‌های سبکی - واژگانی متن قراردادهای تسهیلاتی بانک تجارت به قرار زیر توصیف می‌گردند:

**۱.۱.۴. واژه‌های عربی**

با توجه به اینکه زبان متون حقوقی ریشه در فقه اسلامی دارد، بنابراین به نظر می‌رسد که زبان رسمی متن‌ها حقوقی زبان عربی است. این زبان خود دارای طبیعتی پیچیده و دشوار است که از دلایل آن را می‌توان نفوذ واژگان و اصطلاح‌های عربی در این متن‌ها بر شمرد (Salehi Rad, 2011, p. 60-63). بر مبنای دیدگاه آقا گل‌زاده و فرازنده‌پور، واژگان عربی قابلیت جانشینی با معادل‌های فارسی

را دارند و از این رهگذر درک متن حقوقی را تا اندازه زیادی برای غیر حقوقدانان امکان‌پذیر می‌سازد (Aghagolzadeh & Farazandehpour, 2016, p. 66-67). از این رو، واژه‌های عربی به کاررفته در متن قراردادهای تسهیلات ارزی مشارکت مدنی و فروش اقساطی همچنین قراردادهای تسهیلات ریالی جعّاله و مرابحه مورد بررسی قرار گرفتند. برخی از معادل‌های فارسی واژگان مورد اشاره مشتمل بر وجه التزام (جریمه دیرکرد)، عین ارز (همان ارز)، تخطی (سرپیچی)، حق‌التحریر (هزینه نگارش) و حق‌الثبت (هزینه ثبت) هستند.

#### ۲.۱.۴. واژگان تخصصی بانکی - حقوقی

اصطلاح‌های حقوقی در برگیرنده معنای ضمنی خاصی هستند و به مثابه ابزار تخصصی حقوق‌دانان عمل می‌کنند. از آن جایی که هر پاره‌گفته و اصطلاح حقوقی مفهوم خاصی را بیان می‌دارند، نمی‌توان واژه دیگری را جایگزین آن کرد. ولی در صورت امکان برای آسان‌سازی درک غیر حقوقدان‌ها می‌توان معادل‌های قابل فهمی ارائه کرد (Aghagolzadeh & Farazandehpour, 2016, p. 66-67). از این روی، واژه‌های تخصصی به کاررفته در متن قراردادهای تسهیلات ارزی مشارکت مدنی و فروش اقساطی همچنین قراردادهای تسهیلات ریالی جعّاله و مرابحه مورد بررسی قرار گرفتند. برخی از معادل‌های فارسی واژگان بیان شده، از این قرارند: تهاتر (مبادله)، وجه التزام (جریمه دیرکرد)، حاشیه سود (نرخ سود)، دفعتاً واحده (یکجا)، جاعل (تسهیلات گیرنده)، شریک (بانک تجارت)، عامل اولیه (بانک اولیه)، ثمن معامله (بهای معامله)، سررسید قرارداد (پایان قرارداد)، تادیه دین (جریمه دیرکرد)، اصل تسهیلات (وام دریافتی)، وصول مطالبات (دریافت بدهی‌ها)، اشاره نمود.

#### ۲.۴. واکاوی نحوی

دنت (Danet, 1985) بر این باور است که در زبان حقوقی، مشخصه‌های نحوی نمود بیشتری از مشخصه‌های واژگانی دارند و بخش قابل توجهی از دشواری در فهم این متون نیز فرآورده همین عوامل است (Danet, 1985, p. 281). همچنین میربابایی مهم‌ترین مشخصه‌های نحوی متون حقوقی را جمله‌های خبری، جمله‌های طولانی و فعل‌های مجهول بر می‌شمارد (Mirbabaei, 2008, p. 9-10). برای پاسخ‌گویی به پرسش دوم مطرح‌شده، مولفه‌های مورد اشاره در متن قراردادهای تسهیلات ارزی و ریالی بیان شده و مورد واکاوی قرار گرفتند. یافته‌های به‌دست آمده در جدول (۲) آورده شدند.

جدول ۲: نمایه آماری عناصر نحوی در متن قراردادهای تسهیلات ارزی و ریالی

مشخصه‌های نحوی	فروش اقساطی ارزی	مشارکت مدنی ارزی	جمع	جعاله ریالی	مرابحه ریالی	جمع
تعداد جملات خبری	۹۶۳	۱۰۰۴	۱۹۶۷	۹۱۵	۹۸۰	۱۸۹۵
تعداد جملات طولانی	۸۵۴	۹۷۶	۱۸۳۰	۷۴۵	۸۴۲	۱۵۸۷
فعل مجهول	۰	۰	۰	۰	۰	۰

از جنبه تحلیل نحوی با بررسی جدول (۲) در می‌یابیم تعداد جمله‌های خبری در قرارداد تسهیلات فروش اقساطی ارزی ۹۶۳ عدد، مشارکت مدنی ارزی ۱۰۰۴ عدد، جعاله ریالی ۹۱۵ عدد و مرابحه ریالی ۹۸۰ عدد هستند. همچنین تعداد جمله‌های طولانی در قرارداد تسهیلات فروش اقساطی ارزی ۸۵۴ عدد، مشارکت مدنی ارزی ۹۷۶ عدد، جعاله ریالی ۷۴۵ عدد و مرابحه ریالی ۸۴۲ عدد هستند. روی هم رفته، با مقایسه داده‌های جدول بالا در می‌یابیم که مجموع جمله‌های خبری در قراردادهای تسهیلات ارزی ۱۹۶۷ عدد و در قراردادهای تسهیلات ریالی ۱۸۹۵ عدد هستند. تعداد جمله‌های طولانی نیز در قراردادهای تسهیلات ارزی ۱۸۳۰ عدد و در قراردادهای تسهیلات ریالی ۱۵۸۷ بودند. بر مبنای دیدگاه میر بابایی (Mirbabaei, 2008) نوشته فصیح حقوقی آن است که با کمترین واژه‌ها، بیشترین انتقال معنا را انجام دهد و جمله‌های طولانی در منتهای حقوقی خود سبب ایجاد دشواری در درک آن‌ها می‌شوند (Mirbabaei, 2008, p. 9-). از این رو، با توجه به اینکه در هر قرارداد تسهیلاتی درک درست مفاد قرارداد از سوی تسهیلات گیرنده اهمیت بالایی دارد و حتی فهم نادرست مفاد قرارداد می‌تواند منجر به ایجاد تنگناهای حقوقی برای بانک و تسهیلات گیرندگان شود. بنابراین شایسته است تا اندازه‌ای ممکن از آوردن جمله‌های طولانی پرهیز کرد. برای نمونه، می‌توان با رعایت اصول درست نشانه‌گذاری یک پاراگراف طولانی را به جمله‌های کوچک‌تر دسته‌بندی کرد. نکته مهم دیگر مشاهده نکردن فعل‌های مجهول در متن قراردادهای یادشده بود که آن را می‌توان از خوبی‌های متن قراردادهای تسهیلاتی مورد اشاره برشمرد. زیرا گاهی مشاهده می‌شود که برای رسمی‌تر جلوه دادن متن‌های حقوقی از این دست افعال استفاده می‌شود که خود منجر به ابهام‌افزایی می‌شود (Aghagolzadeh & Farazandehpour, 2016, p. 136). بر پایه جدول (۲)، در می‌یابیم که میان قراردادهای تسهیلاتی ارزی و ریالی از جنبه به کارگیری مشخصه‌های نحوی تفاوت وجود دارد.

### ۳.۴. واکاوی عناصر انسجامبخش

نظریه انسجام هیلیدی و حسن چهارچوب مناسب برای بررسی الگوی انسجام در کلیه متون را ارائه می‌دهد. بر مبنای این نظریه، با بررسی چگونگی استفاده از ابزارهای انسجام می‌توان متن را از غیر متن تمیز داد. از این رو، برای یافتن پاسخ پرسش سوم، متن قراردادهای تسهیلاتی ارزی و ریالی بیان شده از جنبه عناصر انسجامی مورد بررسی قرار گرفتند و یافته‌های به دست آمده در جدول (۳) آورده شدند.

جدول ۳: نمایه آماری مجموع عناصر انسجامبخش در متن قراردادهای تسهیلات بانکی

تعداد عناصر انسجام بخش در هر قرارداد تسهیلاتی									
نام قرارداد	ارجاع	جانشینی اسم	حذف فعل	عناصر ربطی	بازآیی	باهم آیی	حذف اسم	حذف عبارت	جانشینی فعل
فروش اقساطی ارزی	۳۵	۱۶۳	۳۶	۱۷۶	۲۳۸	۴۰	۳۵	۱۶۳	---
مشارکت مدنی ارزی	۳۸	۶۶	۴۵	۱۱۸	۶۴	۳۶	۱	۲	---
جعاله ریالی	۹۲	۹۰	۳۷	۵۲	۹۵	۶۸	۵	۲۰	۵
مراجعه ریالی	۹۷	۹۶	۶	۹۱	۱۳۴	۲۶	۱	۱	---

با بررسی جدول (۳)، مشاهده می‌شود که در قرارداد تسهیلات فروش اقساطی ارزی ترتیب عناصر انسجامبخش به کاررفته مشتمل اند بر عنصر بازآیی، عناصر ربطی، عناصر جانشینی اسم و حذف عبارت، باهم آیی، حذف فعل و حذف اسم و نیز ارجاع. در قرارداد تسهیلات مشارکت مدنی ارزی نیز ترتیب عناصر انسجامبخش به کاررفته شامل عناصر ربطی، عنصر جانشینی اسم، عنصر بازآیی، حذف فعل، عنصر ارجاع، عنصر باهم آیی، عنصر حذف عبارت، حذف اسم هستند. با بررسی یافته‌های مورد اشاره می‌توان این گونه نتیجه‌گیری نمود که گرایش عمده در متن قراردادهای تسهیلاتی ارزی مشتمل بر فروش اقساطی ارزی و قرارداد مشارکت مدنی ارزی بازآیی، عوامل ربطی و جانشینی اسم است. از جنبه روابط پس مرجعی یا پس‌رو در قرارداد مشارکت مدنی ارزی ۳۹ مورد و قرارداد فروش اقساطی ارزی ۳۲ مورد ارجاع پسین مشاهده شد. همچنین تعداد ارجاع پیش مرجعی یا پیش‌رو در قرارداد مشارکت مدنی ارزی، ۱۶ مورد و در

قرارداد فروش اقساطی ارزی ۱۴ مورد بودند. با واکاوی یافته‌های جدول مورد اشاره می‌توان دریافت که در قرارداد تسهیلات جُعاله ریالی ترتیب عناصر انسجام‌بخش به کاررفته از این قرارند: عنصر بازآیی، عناصر ارجاع، عنصر جانشینی اسم، باهم‌آیی، عناصر ربطی، حذف فعل، حذف عبارت، جانشینی فعل و حذف اسم. در قرارداد تسهیلات مرابحه ریالی نیز آرایش عناصر یاد شده از این قرارند: عنصر بازآیی، عناصر ارجاع، عناصر جانشینی اسم، عناصر ربطی، باهم‌آیی، حذف فعل، حذف اسم و حذف بند. با بررسی داده‌های می‌توان دریافت که بیشترین عناصر انسجام‌بخش در متن قراردادهای تسهیلات ریالی مشتمل بر جُعاله ریالی و مرابحه ریالی مشتمل بر بازآیی، ارجاع و جانشینی اسم هستند که در متن قراردادهای یاد شده وقوع بیشتری در مقایسه با دیگر عناصر انسجام‌بخش داشته‌اند. نکته دیگری که بر مبنای جدول‌ها بالا، می‌توان دریافت که سایر عوامل انسجام مانند جانشینی فعل، جانشینی بند، ترادف، شمول و تضاد در هیچ از بندهای قراردادهای تسهیلات ارزی و ریالی به کار نرفته‌اند. همچنین از جنبه روابط پس مرجعی یا پس‌رو در قراردادهای جُعاله ریالی ۴۵ مورد و قرارداد مرابحه ریالی ۵۴ مورد ارجاع پسین مشاهده شدند. همچنین تعداد ارجاع پیش مرجعی یا پیش‌رو در قرارداد جُعاله ریالی تعداد ۱۷ مورد و در قرارداد مرابحه ریالی ۱۸ مورد مشاهده شد. روی هم‌رفته، از جنبه وجود روابط پس مرجعی و پیش مرجعی می‌توان دریافت که قراردادهای اعطای تسهیلات ریالی از روابط پس مرجع و پیش مرجع بیشتری در مقایسه با قراردادهای اعطای تسهیلات ارزی برخوردارند. این مهم می‌تواند خود از عوامل درک دشوارتر مفاد این قراردادها به شمار آید. با بررسی داده‌های جدول (۳) در می‌یابیم که میان قراردادهای تسهیلاتی ارزی و ریالی از جنبه به کارگیری مشخصه‌های گفتمانی تفاوت وجود دارد. از این رو، فرضیه سوم پژوهش نیز مورد تأیید قرار گرفته و اثبات می‌شود.

#### ۴.۴. نمونه‌ای از تحلیل متون (بند قرارداد مرابحه)

صورت حساب صادره توسط بانک ظرف مدت یک ماه از تاریخ صدور قابل اعتراض توسط مشتری می‌باشد. بانک مکلف است از ظرف .... روز کاری نسبت به بررسی اعتراض مشتری اقدام نماید. چنانچه اعتراض مشتری وارد تشخیص داده شود و نامبرده وجه صورت حساب را پرداخت نموده باشد، بانک وجوه مورد اعتراض و وجه التزام احتمالی مأخوذ را به حساب مشتری واریز خواهد نمود. علی‌ایحال صرف اعلام و دفاتر بانک در خصوص میزان بدهی مشتری ملاک عمل و معتبر می‌باشد و مشتری حق هرگونه ادعا و اعتراضی را در این خصوص از خود سلب و ساقط نمود.

## الف) تحلیل واژگانی

واژه‌های تخصصی: وجه التزام مأخوذ (به معنی جریمه دیرکرد دریافت شده)  
واژه‌های عربی: علی ایحال (به معنای با این وجود)

## ب) تحلیل نحوی

شمار جمله‌های خبری: ۴ عدد

شمار جمله‌های طولانی: ۱ عدد

شمار فعل‌های مجهول: ۲ عدد

## پ) تحلیل گفتمانی

عناصر ربطی: و نامبرده - و وجه التزام - و دفاتر بانک - و معتبر - و مشتری - ادعا و اعتراضی - سلب و ساقط

ارجاع اشاری: در این خصوص، تکرار: مشتری - بانک

ارجاع شخصی: اقدام نماید - پرداخت نموده باشد - خواهد نمود - سلب و ساقط نمود.

روابط پس مرجعی یا پس رو:

**صورت حساب صادره توسط** بانک ظرف مدت یک ماه از تاریخ صدور قابل اعتراض توسط مشتری می‌باشد. **بانک** مکلف است از ظرف .... روز کاری نسبت به بررسی اعتراض مشتری اقدام نماید.

چنانچه **اعتراض** مشتری وارد تشخیص داده شود. **نامبرده** وجه صورتحساب را پرداخت نموده باشد. **دفاتر بانک** در خصوص میزان بدهی مشتری ملاک عمل و معتبر می‌باشد. **بانک** وجوه مورد اعتراض و وجه التزام احتمالی مأخوذ را به حساب مشتری واریز خواهد نمود. **مشتری** حق هر گونه ادعا و اعتراضی را در این خصوص از خود سلب و ساقط نمود.

روابط پیش مرجعی: هیچ نوع روابط پیش مرجعی مشاهده نشد.

حذف فعل: ملاک عمل (می‌باشد) و معتبر می‌باشد - سلب (نمود) و ساقط نمود.

حذف بند: وجوه مورد اعتراض (احتمالی مأخوذ) و وجه التزام احتمالی مأخوذ

جانیشینی اسم: مشتری (تسهیلات گیرنده) - بانک (بانک تجارت)، باهم آبی: سلب و ساقط -

ادعا و اعتراض، واژگان تخصصی: وجه التزام مأخوذ

در مرحله بازنویسی بند بالا تغییراتی به صورت زیر انجام گرفت:

۱. حذف عناصر ربطی: برای شفاف‌سازی مفاد متن یادشده در بازنویسی بند بالا عناصر ربطی

که منجر به طولانی شدن جمله‌ها می‌شوند تا اندازه ممکن حذف و جمله‌های طولانی به واحدهای

کوچک‌تر تقطیع شدند. حذف عناصر جانیشینی اسم: در بازنویسی دوباره بند بالا همگی عناصر جانشین اسم که سبب ایجاد سردرگمی برای وام‌گیرنده می‌شدند، حذف شده و اسم اصلی به جای آن‌ها آورده شده است. تغییرات انجام شده در این راستا به قرار زیرند:

مشتری ← تسهیلات گیرنده، بانک ← بانک تجارت

۲. حذف واژگان عربی و واژگان تخصصی بانکی

واژه‌های عربی و واژه‌های تخصصی بانکی نوشته شده مانند «علی ایحال» و «وجه التزام مأخوذ» حذف شدند. همچنین، به جای عبارت «وجه التزام مأخوذ» معادل فارسی آن «جریمه دیرکرد دریافت‌شده» نوشته شد.

۳. حذف ترکیبات اضافی: ترکیبات اضافی از قبیل به بررسی، در این خصوص، به حساب مشتری، توسط بانک، با توجه به این با نبود آن‌ها لطمه‌ای به معنی پاره گفته وارد نمی‌شد و منجر به طولانی شدن جمله شده بودند حذف شدند.

۴. حذف عنصر انسجام تکرار: واژگان «مشتری» و «بانک» تکرار آن‌ها سبب سردرگمی تسهیلات گیرندگان و طولانی شدن جمله‌ها شده بودند نیز حذف شدند.

پس از اعمال تغییرات بالا، بند مشارکت مرابحه به صورت زیر خلاصه و بازنویسی شد:

مشتری می‌تواند طی مدت یک ماه پس از صدور صورت حساب به آن اعتراض کند. بانک تجارت هم موظف به بررسی اعتراض است. در صورت درست بودن اعتراض مشتری کلیه مبالغ و جرایم تأخیر پرداختی مشتری هم به حساب او بازگردانده می‌شود. ملاک درستی میزان بدهی دفاتر بانک تجارت است و مشتری نیز متعهد شد که حق اعتراض به آن‌چه پرداخت شده را نداشته باشد.

## ۵. نتیجه‌گیری

بررسی سبک شناختی متن قراردادهای تسهیلات ارزی و ریالی بانک تجارت نشان داد که در متن قراردادهای تسهیلات ارزی که عبارتند از مشارکت مدنی و فروش اقساطی از منظر مشخصه‌های واژگانی، تعداد واژگان عربی و نیز اصطلاح‌های تخصصی حقوقی - بانکی کمتری در قیاس با قراردادهای تسهیلات ریالی در آن‌ها به کار رفته است. این مهم می‌تواند سبب شفافیت بیشتری در متن آن‌ها باشد. از سوی دیگر از جنبه مشخصه‌های نحوی جمله‌های طولانی بیشتری در مقایسه با قراردادهای تسهیلات ریالی مشاهده شده است که این مهم را می‌توان از کاستی‌های متن این متون برشمرد. زیرا جمله‌های طولانی می‌توانند سبب افزودن بر دشواری درک متون آن‌ها شوند. در متن قراردادهای تسهیلات ارزی که مشتمل بر مشارکت مدنی و فروش اقساطی عناصر انسجام‌بخش



تکرار، عناصر ربطی و جانیشینی اسم دارای بیشترین وقوع و عناصر حذف (حذف فعل، اسم و بند)، ارجاع و باهم‌آیی دارای کمترین میزان وقوع هستند. همچنین در متن قرارداد تسهیلات ریالی جُعاله، عناصر تکرار، ارجاع و جانیشینی اسم دارای بیشترین فراوانی و عناصر باهم‌آیی، عناصر ربطی، عناصر حذف دارای کمترین وقوع هستند. در قرارداد تسهیلات ریالی مباحثه عناصر تکرار، عوامل ربطی و جانیشینی اسم بیشترین فراوانی و عناصر باهم‌آیی، عناصر ربطی، عناصر حذف دارای کمترین وقوع هستند. وجود فاصله زیاد ضمائر با مراجع در متن کلیه قراردادهای اشاره‌شده سبب می‌شود خوانندگان متن قرارداد به عنوان متقاضیان تسهیلات در ایجاد پیوند و ارتباط درست بین این عناصر انسجامی- زبان‌شناختی دچار اشتباه می‌شوند. این کژفهمی خود عاملی است که سبب ایجاد مشکلات قضایی و بانکی در آینده برای طرفین قرارداد خواهد شد. بنابراین شایسته است برای ساده‌سازی متون قراردادها از عناصر انسجام بیان شده به میزان کمتری استفاده شود. افزون بر آن چه بیان شد بهتر است از جنبه اهمیت درک کلیه مفاد قراردادهای تسهیلاتی، استفاده از عناصری چون تکرار و جانیشینی اسم نیز تا اندازه ممکن کاهش یابد تا سبب سر درگمی تسهیلات گیرنده نشده و از ابهام متن نیز بکاهد. گفتنی است کاربرد بیش از اندازه عنصر جانیشینی نیز می‌تواند منجر به سردرگمی در تشخیص مرجع اصلی اسم شود و مرتبط نمودن جمله‌های گوناگون با عناصر ربطی از جمله و نیز سبب تولید جمله‌های طولانی شده که درک مفهوم اصلی را برای خواننده دشوار می‌کند. همچنین استفاده نکردن از پاره‌گفته‌های عربی مانند «ما نحن فیه» و «دائن» که به وفور در متن‌های حقوقی قابل مشاهده است و برگرفته از متن‌های فقهی، حقوقی هستند، از خوبی‌های متن قراردادهای تسهیلاتی بانک تجارت است که با جلوگیری از ایجاد ابهام سبب درک بهتر متن قراردادها می‌شوند.

بر مبنای واکاوی متن قراردادهای تسهیلاتی بانک تجارت می‌توان دریافت که از دیدگاه زبان‌شناختی دشواری و پیچیده بودن آن‌ها ناشی از سبک و ساختار در هم تنیده قراردادهای مورد اشاره است. این امر سبب شده تا شمای ذهنی مخاطب کمتر مورد توجه قرار گرفته و تسهیلات گیرندگان را با دشواری در درک و خوانش و به‌رو شوند. این متن‌ها دشواری خود را به سبب وجود عواملی به دست آورده‌اند. این عوامل مشتمل اند بر وجود جمله‌های طولانی که با حروف ربط به یک‌دیگر پیوسته‌اند، به کارگیری واژه‌های تخصصی که درک آن‌ها برای تسهیلات گیرندگان عام دشوار است (بدون ارائه تعریف قایل فهم برای تسهیلات گیرندگان غیر حقوقدان)، بهره‌گیری بسیار از ارجاع اشاری (که در نهایت منجر به فراموش شدن مرجع اصلی می‌شود)، فاصله بسیار میان ضمائر و مراجع و جانیشینی پیاپی اسم که سبب سردرگمی تسهیلات گیرنده می‌شود.

بنابراین، با توجه به آنچه بیان شد برای کمک به تسهیلات گیرندگان در فهم آشکار کلیه مفاد قراردادهای تسهیلاتی پیشنهاد می‌شود در نگارش متن کلیه قراردادهای بانکی - تسهیلاتی از عوامل ایجاد ابهام به شرح بیان شده پرهیز کرد تا پیش از حدوث معضلات حقوقی برای تسهیلات گیرندگان و بانک‌ها از وقوع آن‌ها جلوگیری نمود. چرا که فرد با امضای قرارداد، خود را متعهد به انجام کلیه موارد مندرج می‌کند و عمل نکردن به تعهدات یاد شده سبب چرخه ناسالم ایجاد مطالبات معوق می‌شود که از بزرگترین چالش‌های نظام بانکی است. زیرا هر یک از پرونده‌های بانکی - حقوقی منجر به ایجاد بار مالی فراوان برای نظام بانکی، اشخاص تسهیلات گیرنده و نیز نظام قضایی و حتی در پاره‌ای از موارد تزییع حقوق افراد غیر متخصص می‌شود که در مواردی در بر گیرنده خسارات غیر قابل جبرانی نیز خواهند بود و خود موجب مصروف داشتن زمان زیادی از نظام بانکی و قضایی کشور می‌شوند. در نهایت، با توجه به جمیع آنچه بیان شد اصلح است در متن قراردادهای تسهیلاتی بانک تجارت از جمله‌های کوتاه‌تر و روشن‌تری استفاده شود و ضمن رعایت اصول اقتصاد زبانی از عناصر تکرار و جانیشینی مکرر پرهیز شده تا تسهیلات گیرنده بتواند به روشنی از شرایط اعطا و بازپرداخت تسهیلات اعطایی آگاه شوند. همچنین اتخاذها رویکردی مبنی بر ساده‌نویسی و قابل فهم بودن کلیه قراردادهای تسهیلاتی همگی بانک‌ها با بهره‌گیری از دانش و مشاوره زبان‌شناسان به ویژه کارشناسان زبان‌شناسی حقوقی در مجموعه تحلیل گفتمان حقوقی راهبردی مؤثر قلمداد می‌شود که می‌تواند مانع از بروز چالش‌های یاد شده شود.

## فهرست منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۴). «زبان‌شناسی قضایی (حقوقی): رویکردی نوین در زبان‌شناسی کاربردی». مجموعه مقالات نخستین همایش انجمن زبان‌شناسی ایران. به کوشش عطالله کوپال، شهرام مدرس خیابانی و جواد یعقوبی درابی. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی. صص ۲۲۵-۲۱۵.
- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۹۱). *زبان‌شناسی حقوقی*. چ ۲. تهران: نشر علم.
- پورمسجدیان، فاطمه و خدیجه سیدرمضان (۱۴۰۰). واکاوی سبک نوشتاری دادنامه‌های حقوقی و کیفری بر پایه فرانش اندیشگانی. *زبان‌پژوهی*. دوره ۱۳. شماره ۳۹. صص ۳۳۱-۳۱۱. doi: 10.22051/jlr.2020.32200.1895.
- تقی‌پور، مرجان (۱۳۹۴). «روش‌های اقناع و کلا در دادگاه‌های کیفری از بعد زبان‌شناسی حقوقی» مجموعه مقالات دومین همایش ملی زبان‌شناسی حقوقی: تحلیل گفتمان حقوقی. به کوشش فردوس آقاگل‌زاده. تهران: نشر نویسه پارسی. صص ۹۶-۷۳.
- جمشیدی، سعید (۱۳۷۹). *بانکداری اسلامی*. تهران: انتشارات شکوه اندیشه.
- حیبی، حسن (۳۷۴). «زبان حقوقی». *نامه فرهنگستان*. سال ۱. شماره ۱. صص ۳۷-۱۳.

- صالحی راد، محمد (۱۳۹۷). آئین نگارش آراء قضایی. تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- صفوی، کوروش (۱۳۹۰). درآمدی بر معنی شناسی. تهران: انتشارات سوره مهر
- میربابایی، سید احمد (۱۳۸۷). نگارش و دستور زبان حقوقی. تهران: انتشارات بهنامی
- محمود زاده، هما و بهروز محمودی بختیاری (۱۳۹۴). «کارکرد سبک شناختی عناصر انسجامی در متون حقوقی: بررسی آرای دادگاه‌ها» مجموعه مقالات دومین همایش ملی زبان شناسی حقوقی: تحلیل گفتمان حقوقی. به کوشش فردوس آقاگل زاده. تهران: نشر نویسه پارسی. صص ۲۰۶-۱۸۷.
- غلامحسین زاده، غلامحسین و حامد نوروزی (۱۳۸۷). «نقش ارجاع شخصی و اشاره‌ای در انسجام شعر عروضی فارسی». پژوهش‌های ادبی. دوره ۵. شماره ۱۹. صص ۱۳۸-۱۱۷.
- فرازنده پور، فائزه (۱۳۹۳). «تحلیل مشخصه های سبکی متون حقوقی و ارائه اصولی به منظور گسترش زبان ساده حقوقی در ایران». زبان شناسی حقوقی: تحلیل گفتمان حقوقی، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی. به کوشش فردوس آقاگل زاده. تهران: نشر نویسه پارسی. صص ۱۴۲-۱۲۳.
- مهاجر، مهران و محمد نبوی (۱۳۷۶). به سوی زبان شناسی شعر، رهیافتی نقش گرا. تهران: نشر مرکز.
- بارمحمدی، لطف اله (۱۳۸۳). گفتمان شناسی رایج و انتقادی. تهران: انتشارات هرمس.

## References

- Aghgagolzadeh, F. (2005). Forensic Linguistics (Legal), A New Approach to Applied Linguistics. *Proceedings of the first conference of the Iranian Linguistics Society*. Tehran: University of Tehran [in Persian].
- Aghgagolzadeh, F. (2012). *Forensic Linguistics (Theoretical and Applied)*. Tehran: Elm Publication [in Persian].
- Aghgagolzadeh and Farazandehpour. (2016). *Khallagh (Creative) Pattern of Linguistics Instruction In The Analysis of Judicial Verdicts*. Tehran: Nevesseh Parsi [in Persian].
- Danet, B. (1985). *Legal Discourse. Handbook of Discourse Analysis: Disciplines of Discourse*. 1. 273-291.
- Gholamhossainzadeh, Gh., & Norouzi, H. (2008). Role of Personal Reference and Allusion in the Cohesion of Prosodic Persian Poetry. *Literary Research*, 5(19), 117-138 [in Persian].
- Farazandehpour, F. (2013). The Evaluation of Stylistic Features of Forensic Texts and Providing Principles to Improve the Simple Forensic Language in Iran. In F. Aghgagolzadeh (Ed.), *Proceedings of the Second National Conference on forensic Linguistics: A Forensic Discourse Analysis* (pp. 187-206). Tehran: Nevisseh-Parsi [in Persian].
- Habibi, H. (1995). *Language of law*. Letter of academy. 1(1), 13-37 [in Persian].
- Halliday, M. A. K., & Hassan, R. (1976). *Cohesion in English*. London. Longman.
- Jamshidi, S. (2013). *Islamic Banking*. Tehran: Shoukouh Andisheh Publication [in Persian].
- Mahmoudzadeh and Bakhtiyari. (2015). The Stylistic Function of Cohesion Elements in Legal texts: an investigation on the Analysis of Judicial Verdicts. In F. Aghgagolzadeh (Ed.), *Proceedings of the Second National Conference*

- on forensic Linguistics: A Forensic Discourse Analysis* (pp. 187-206). Tehran: Neviseh-Parsi [in Persian].
- Mirbabaei, Ahmad. (2008). *Book of Writing and Legal Grammar*. Tehran: Behnami Publication [in Persian].
- Mohajer and Nabavi, 1997 toward the linguistics of poetry: a stylistic approach. Tehran: Markaz Publication [in Persian].
- Safavi, K. (2011). *An introduction to semantics*. Tehran: Sure-ye Mehr [in Persian].
- Taghipour, M. (2015). Methods of soliciting lawyers in criminal courts from the forensic linguistics dimension. In F. Aghgagolzadeh (Ed.), *Proceedings of the Second National Conference on Forensic Linguistics: A Forensic Discourse Analysis* (pp. 75-99). Tehran: Neviseh-Parsi [in Persian].
- Salehi Rad, M. (2011). *Rights – Writing Techniques – Judicial Opininos*. Tehran: Majd Cultural and Scientifical Association [in Persian].
- Yar Mohammadi, L. (2004). *Critical Discourse*. Tehran: Hermes Publication [in Persian].



© 2020 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0) license (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).

